

[فرق توارد حالتین با تعاقب حادثین 1](#_Toc503924221)

[الف. بساطت موضوع 1](#_Toc503924222)

[ب. تعین زمان شک و تردّد زمان یقین 2](#_Toc503924223)

[جریان استصحاب در حادث معلوم التاریخ 2](#_Toc503924224)

[جریان استصحاب در حادث مجهول التاریخ 4](#_Toc503924225)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در جریان استصحاب در مورد توارد حالتین متضادین بود.

بعد از فراغ از بحث جریان استصحاب در تعاقب حادثین، بحث از جریان استصحاب در مورد توارد حالتین متضادین شروع شد. در این بحث، علم به تحقق دو حالت متضاد وجود دارد، لکن شک در تقدم و تأخر آن ها می باشد. برای مثال، بعد از علم به تحقق حدث و طهارت، شک در تقدم و تأخر آن ها وجود دارد و یا بعد از علم به تحقق خبث (مثل نجاست آب) و طهارت خبثی (مثل کریت آب)، شک در تقدم و تأخر آن ها دارد. هر کدام که متأخر بوده باشد، اثرش باقی است و هر کدام هم متقدم بوده باشد، اثرش منتفی شده است.

##### فرق توارد حالتین با تعاقب حادثین

لازم به ذکر است که فرق بین بحث تعاقب حادثین و بحث توارد حالتین متضادین در دو چیز است:

###### الف. بساطت موضوع

در تعاقب حادثین، موضوع بسیط نبود، حال گاهی مرکب بود و گاهی هم مقید. برای مثال، در قسم چهارمش (مفاد لیس تامه)، موضوع حکم شرعی مرکب بوده و استصحاب به لحاظ یک جزء، جاری می شد. موضوع حکم واقعی، اجتماع دو جزء بوده و استصحاب هم، وجود یک جزء در زمان جزء دیگر را نفی می کرد، مثل استصحاب عدم کریت در زمان ملاقات یا استصحاب عدم ملاقات در زمان کریت.

در مورد قسم اول (کان تامه) و ثانی و ثالث (کان ناقصه[[1]](#footnote-1)) از بحث تعاقب حادثین هم موضوع حکم شرعی، مقید بود.

لکن در مورد توارد حالتین، موضوع بسیط است؛ یعنی نه مرکب است و نه مقید. آن چه که مورد استصحاب و منظور به اثبات است، طهارت یا حدث است.

###### ب. تعین زمان شک و تردّد زمان یقین

در مورد توارد حالتین متضادین، اگر چه زمان یقین دارای تعین نیست (به خاطر ترددش بین ساعت اول و دوم)، لکن زمان شک، به حسب عمود زمان، متعیّن و فعلی است. برای مثال، مکلف هم اکنون شک دارد که محدث است یا متطهر.

لکن در بحث تعاقب حادثین، اگر چه زمان یقین دارای تعین است، لکن زمان شک، مردد است. برای مثال در مورد حادثان مجهولی التاریخ (که سه ساعت در موردش مطرح بود)، نسبت به ساعت اول (ساعت متعین)، یقین به عدم حادث وجود داشت، لکن ساعت شک معلوم نیست که ساعت دوم است یا سوم؛ چرا که این عدم حادث، به لحاظ حادث دیگر استصحاب می شود و آن حادث دیگر، مردد بین ساعت دوم و سوم است.

از این نکته نباید غافل شد که مراد از ساعت شک، ساعت مشکوک است، لذا اگرچه در تعاقب حادثین مجهولی التاریخ، در ساعت سوم، شک در عدم کریت وجود دارد، لکن این شک به لحاظ زمان حادث دیگر است و در واقع، زمان مشکوک، الان نیست.

##### جریان استصحاب در حادث معلوم التاریخ

در مورد این بحث، همان دو قسم مجهولی التاریخ و معلوم التاریخ احدُهما که در بحث حادثین متعاقبین ذکر شد، می آید.

برای مثال، در مورد علم به حدث و وضو و شک در تقدم و تأخر آنها، گاهی زمان هر دو مجهول است و گاهی زمان یکی از آن ها معلوم است. در چنین وضعیتی، بحث در جریان استصحاب در مورد حادث معلوم التاریخ و مجهول التاریخ، مطرح می شود.

اما در مورد حادث معلوم التاریخ، گویا جریان استصحاب مورد اتفاق است؛ چرا که ارکان در آن، تمام است. هیچ یک از وجوه عدم جریان استصحاب که در مورد حادث مجهول التاریخ مطرح بود، در این جا تصویر ندارد، مگر وجه پنجم.

بیان وجه پنجم این بود که به خاطر تعلق علم اجمالی به خارج و تردد حادث مجهول، استصحاب از موارد شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین است. در مورد بحث نیز، علم اجمالی به تحقق خواب در زمان قبل یا بعد از وضو، سبب می شود که استصحاب بقاء وضو از موارد شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین باشد.

ممکن است استصحاب در فرض علم به خواب بعد از وضو، جاری شده باشد که در این صورت، نقض یقین به یقین، رخ داده است.

جواب این وجه، این است که:

اولا مبنای تعلق علم اجمالی به خارج، باطل است.

ثانیا معلوم بودنِ به نحو اجمال، منافاتی با شک ندارد و لذا مانع جریان استصحاب نیست.

پس جریان استصحاب در مورد حادث معلوم التاریخ نسبت به عمود تفصیلی زمان، با مانعی روبرو نیست و فقط باید وجود معارض را بررسی کرد.

جریان استصحاب در حادث معلوم التاریخ به قدری واضح است که حتی با وجود ظهور اطلاق عبارت صاحب کفایه در عدم جریان استصحاب (كما انقدح أنه لا مورد للاستصحاب أيضا فيما تعاقب حالتان متضادتان‏.[[2]](#footnote-2))، باز هم بزرگانی چون مرحوم خویی[[3]](#footnote-3) و مرحوم تبریزی[[4]](#footnote-4)، جریان این استصحاب را به مرحوم آخوند، نسبت داده اند.

شبهه ای که در استصحاب حادث معلوم التاریخ در تعاقبین حادثین بود، در مورد بحث وجود ندارد، چرا که در آن جا به خاطر جهل به زمان حادث مجهول التاریخ، شبهه اتصال وجود داشت، لکن در مورد بحث، استصحاب به لحاظ عمود زمان جاری می شود و ساعت شک، هیچ ترددی به لحاظ عمود زمان ندارد. تخلل حدث هم هیچ اختلالی به اتصال، وارد نمی کند و نهایت این است که قطع اتصال طهارت را می کند، لکن اتصال زمان را مختل نمی کند. قبل از زوال و مابعد الزوال متصل است و شما هم استصحاب طهارت را تا ما بعد الزوال جاری می کنید.[[5]](#footnote-5)

##### جریان استصحاب در حادث مجهول التاریخ

بحث اصلی در جریان استصحاب در حادث مجهول التاریخ است، حال چه این که حادث دیگر، مجهول التاریخ باشد و چه این که معلوم التاریخ باشد.

به نظر ما استصحاب در این جا جاری است و همان بیانات سابق[[6]](#footnote-6) در استصحاب معلوم التاریخ و مجهول التاریخ در این جا هم می آید و لذا استصحاب جاری است. برای مثال اگر حدث و طهارتی محقق شده باشد و شک در تقدم و تأخر آن ها وجود داشته باشد، استصحاب بقاء حدث جاری است (چه زمان طهارت معلوم باشد و چه مجهول باشد.) و از قبیل استصحاب کلی قسم ثانی خواهد بود.

حدث مورد استصحاب، مردد بین حدث قبل از وضوء و حدث بعد از وضو است. حدث قبل از وضو مثل همان پشه ای است که در استصحاب کلی قسم ثانی، بیان می شد و حدث بعد از وضو هم مثل همان فیلی است که در آن جا بیان می شد. اگر حدث قبل از وضو بوده باشد، قطعا مرتفع است و الّا باقی است. همچنین مثال حدث مردد بین بول و منی نیز مثال دیگری برای کلی قسم ثانی بود که اگر حدث مشکوک، بول بوده باشد، به وسیله وضو، از بین رفته است (فرد قصیر) و اگر منی بوده باشد، هنوز باقی است (فرد طویل).

برخی از وجوه مانعه از جریان استصحاب که در سابق بیان شد، در این جا هم قابل ذکر است.

نکته اول: استصحاب در مورد حادث معلوم التاریخ، استصحاب در فرد و شخص است، ولی استصحاب در حادث مجهول التاریخ، استصحاب در کلی قسم ثانی است.

نکته دوم: مرحوم خویی[[7]](#footnote-7) استصحاب در حادث مجهول التاریخ را از موارد استصحاب کلی قسم رابع معرفی کرده اند که به نظر ما مَرَدّ این استصحاب به همان کلی قسم ثانی است.

نکته سوم: نمی توان به بهانه اجرای استصحاب در همان شخص حدث سابق معلوم بالاجمال، این استصحاب را استصحاب شخص، دانست؛ چرا که همان طور که مشخصات فیل و پشه سبب تعدد فرد شد، زمان های متعدد برای حدث نیز، سبب تعدد فرد می شود. خواب قبل از وضو، غیر از خواب بعد از وضو است و این ها دو فردند. البته در استصحاب کلی قسم ثانی، استصحاب شخص متیقن سابق می شود (بر خلاف قسم ثالث که شخص اول، زائل شده است.)، لکن تردد این شخص بین قصیر و طویل، سبب شک در بقاء آن شخص شده است.

نکته چهارم: فرق این دو فرد (حدث قبل و حدث بعد از وضو) این است که اثر حدث قبل از وضو، بقای وضو و زوال حدث است[[8]](#footnote-8)، ولی اثر حدث بعد از وضو، زوال وضو و بقای حدث است. تردد زمانی، سبب تعدد فرد شده است. پس هر یک از افرادِ این جامع مورد علم، دارای اثر خاصی هستند.

1. بیان استاد در جلسه 66 اصول. شنبه 30 دی 96:

   نکته: صورت دوم و سوم هر دو به مفاد کان ناقصه، موضوع حکم هستند، لکن صورت دوم به نحو مفاد کان ناقصه ایجابی است، در حالی که صورت سوم به نحو مفاد کان ناقصه معدولۀ المحمولی است. هر دو اتصافند، لکن یکی به نحو اتصاف به وجود و یکی به نحو اتصاف به عدم.

   در پاورقی همان جلسه نیز این گونه آمده است: حضرت استاد در کلاس راهنما، فرق بین صورت سوم و چهارم را نیز این چنین بیان فرمودند که موضوع در صورت سوم به نحو تقییدی است (عدم کریتِ مقید به زمان ملاقات)، ولی موضوع در صورت چهارم به نحو ترکیبی است. (ملاقات و عدم کریت.). مقرر [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص421.](http://lib.eshia.ir/27004/1/421/انقدح) [↑](#footnote-ref-2)
3. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص206.](http://lib.eshia.ir/13046/3/206/صاحب) [↑](#footnote-ref-3)
4. [دروس فی مسائل علم الاصول، جواد تبریزی، ج5، ص352.](http://lib.eshia.ir/86749/5/352/بقی) [↑](#footnote-ref-4)
5. اگر بگوییم که فقط یقین به تخلل عدم، مانع جریان استصحاب است، کلام استاد متین است، لکن اگر بگوییم که برای جریان استصحاب، احراز اتصال، لازم است (کما این که قول صاحب کفایه همین است.) وجه ذکر شده، مخدوش است. مقرر [↑](#footnote-ref-5)
6. بیان استاد: کفایت لحاظ اجمالی. [↑](#footnote-ref-6)
7. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص207.](http://lib.eshia.ir/13046/3/207/یخفی) [↑](#footnote-ref-7)
8. آیا واقعا بقای وضو، اثر حدث قبل از وضو است؟ در کدام دلیل شرعی، این طور آمده است؟ مقرر [↑](#footnote-ref-8)